

تحلیل محتوای مقالات مرتبط با سیاست و ورزش (از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸)

بهنام عاشقی^{۱*}، رحیم رضانی نژاد^۲، سعید عبدی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

۳. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

نویسنده مسئول مقاله: بهنام عاشقی

ایمیل نویسنده مسئول: Behnam.Asheghi@yahoo.com

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۴

Content Analysis of Articles Related to Politics and Sport from 2009 to 2019

Behnam Asheghi^{1*}, Rahim Ramzani nejad², Saeed Abdi³

1. Ph.D. Student in Sport Management, University of Guilan

2. Prof. in Sports Management, University of Guilan

3. Ph.D. Student in Sport Management, University of Guilan

Corresponding Author: Behnam Asheghi
Email: Behnam.Asheghi@yahoo.com

Received: (19/03/2020)

Accepted: (04/08/2020)

Abstract: The purpose of this study is to describe and analyze the content of scientific-research articles related to politics and sport. The research community of this study includes Years articles (2009-2019). available at Irandoc, civilica, RICEST, Noormag, Zednee, Magiran, Ensani, SID, ISC Database Searching for keywords: Politics and sports, sports diplomacy, political sports, politicians in sports and sports politicians, 28 articles were reviewed through content analysis. The results showed that these studies can be categorized in terms of number in order of priority in the four topics of politics entry in sport, policy making, diplomacy and politics and economics in sport. In addition, among the universities of the country, Tehran University has focused more on politics and sports, and has also used more citations on Persian articles. In the year 2017, research in this field has grown significantly. Therefore, given the enormous importance of the relationship of sport to politics, it is recommended that research in this field be continued with interdisciplinary collaborations, in particular the use of sports organizations 'documentation and managers' experiences.

Keywords: Content Analysis, Political Executives, Political Sport, Politics and Sport, Sports Diplomacy.

چکیده: هدف پژوهش حاضر، توصیف و تحلیل محتوای مقالات علمی - پژوهشی مرتبط با سیاست و ورزش می باشد. جامعه پژوهش این مطالعه شامل مقاله های سال های (۱۳۸۸-۱۳۹۸) موجود در پایگاه های ایران داگ، سیولیکا، مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری، زدنی، مگ ایران، مجلات نور، پورتال جامع علوم انسانی، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام بود که با جستجوی کلمات کلیدی سیاست و ورزش، دیپلماسی ورزشی، ورزش سیاسی، سیاسیون در ورزش و سیاستمداران ورزشی تعداد ۲۸ مقاله از طریق تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که این پژوهش ها را می توان از نظر تعداد به ترتیب اولویت در چهار موضوع ورود سیاسیون در ورزش، سیاست گذاری، دیپلماسی ورزشی و سیاست و اقتصاد در ورزش دسته بندی کرد. ضمناً از بین دانشگاه های کشور دانشگاه تهران بیشتر به حوزه سیاست و ورزش پرداخته است و همچنین در استناددهی بیشتر از مقالات فارسی استفاده شده است. در سال ۱۳۹۶ نیز تحقیقات این حوزه رشد چشم گیری داشته است. بنابراین، با توجه به اهمیت فوق العاده ارتباط ورزش با سیاست پیشنهاد می شود که تحقیقات این حوزه با همکاری های بین رشته ای و به ویژه استفاده از مستندات سازمان های ورزشی و تجارب مدیران ادامه یابد.

واژه های کلیدی: تحلیل محتوا، دیپلماسی ورزشی، سیاست و ورزش، مدیران سیاسی، ورزش سیاسی.

مقدمه

دور در هر لحظه از زمان به نوعی با سیاست درگیر بوده ایم همه اتفاقات در زندگی انسان ها چه کم یا زیاد درگیر سیاست می باشند، ورزش نیز از ابتدا با سیاست و سیاسیون همراه و در ارتباط بوده است. ورزش در گذشته بیشتر جنبه فردی داشت، در حالی که امروزه بیشتر جنبه اجتماعی، رسمی و سیاسی پیدا کرده است. از طرف دیگر، هر چند ورزش در گذشته عاملی برای سلامت، شجاعت، شادابی و تحرک بود، اما می توان گفت بحث رابطه ورزش و سیاست پدیده جدیدی نیست (ملکوتیان، ۲۰۰۹: ۳۱۱). به نقل از محمدی عزیزآبادی (۲۰۱۷): جاروی و ماگوتیر (۱۹۹۴) می گویند: «ورزش و فعالیت های تفریحی یک بخش پیوسته ی حیات اجتماعی را در همه جوامع تشکیل می دهد و به طور پیچیده با جامعه و سیاست یا مسائل سیاسی و اجتماعی ارتباط دارد و فرهنگ عمومی، ارزش های مثبتی را به ورزش پیوند می زند». ارتباط سیاست و ورزش در طول زمان کاملاً مشهود بود و امروزه ورزش و سیاست نه تنها از هم جدا نیست، بلکه به شدت به هم وابسته اند. گاهی ورزش از قدرت و سیاست استفاده می کند و زمانی سیاست و سیاسیون از ورزش برای مقاصد خود استفاده می کنند (ملکوتیان، ۲۰۰۹: ۳۰۸).

ارتباط سیاست و ورزش بر هیچ کسی پوشیده نیست و همگان از ارتباط این دو مقوله با یکدیگر آگاهند. ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ورزش باعث شده است تا دانشمندان علوم اجتماعی از ورزش به عنوان یک پدیده مهم اجتماعی در تحلیل های جامعه شناسی خود استفاده کنند. این توجه با روند تجاری شدن و حرفه ای شدن ورزش، موجب دخالت تعامل بیشتر سیاستمداران در ورزش شده است. بررسی تاریخ رویدادهای ورزشی بزرگ نشان می دهد ورزش به ویژه ورزش قهرمانی همواره با سیاست در ارتباط و از آن تاثیر می گرفته است (پارسامهر، ۲۰۰۹: ۲۷).

رابطه سیاست و ورزش رابطه ای دوطرفه است، به نحوی که سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبرد ورزشی بر ورزش تاثیر دارد؛ و از طرف دیگر ورزش از طریق محکم کردن ارزش های انسانی و معنوی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست تاثیر می نهد و البته خود نیز به خصوص در زمان برگزاری

ورزش، مملو از تعاملات فردی، گروهی، سازمانی، ملی و بین المللی است. قدرت^۱ نیز تعیین کننده ماهیت و کیفیت این روابط است. این مفهوم با سیاست^۲ و سیاست گذاری^۳، رفتارهای سیاسی^۴ رابطه و هم پوشانی بالایی دارند. قدرت، توان بالقوه نفوذ فرد و گروه یا سازمان بر فرد، گروه یا واحد و سازمانی دیگر است و می تواند کمیت و کیفیت این روابط و تعاملات انسانی را تعیین کند (اسلک و پرن^۵، ۲۰۰۶: ۴۲)؛ در صورتی که از نظر مورگان^۶ (۱۹۸۶)، سیاست استفاده از قدرت در عمل است و رفتار سیاسی نیز اقدامات و رفتارها یا وسیله ای برای کسب قدرت در سازمان است. ضمناً هر چقدر سازمان ها مانند سازمان های ورزشی غیررسمی تر باشند یا با اجزای درونی و روابط بین سازمانی ناهماهنگ تر باشند رفتار سیاسی در آن بیشتر است.

تعیین سیاست ها و سیاست گذاری توسط دولت و سازمان ها نیز فرآیندی سیاسی و مبتنی بر قدرت است و به دلیل تعامل بسیار نزدیک سیاست (افراد و نهادها) و ورزش، روابط قدرت و سیاست در داخل و خارج از سازمان های ورزشی ملی و بین المللی بسیار فراوان و آشکار است. در این مقاله، دو مفهوم مرتبط با سیاست و ورزش، و رفتارهای سیاسی در ورزش به طور همزمان مورد توجه قرار گرفته است تا رابطه ورزش و سیاست بهتر و بیشتر آشکار شود.

رابطه سیاست و ورزش

سیاست، زمینه تدبیر امور عمومی است که حکومت ها مهم ترین کارگردانان آن هستند و ورزش نیز به دلیل رابطه و تعاملی که با دیگر بخش های جامعه مانند اقتصاد، فرهنگ و سیاست دارد مورد توجه حاکمان قرار گرفته است. ورزش نیز رهبری سیاست و ایدئولوژی رسمی را پذیرفته است (فاضلی، ۲۰۱۲: ۱۵۴). امروزه سیاست، موضوع و علم مستقل و یکی از حقایق غیرقابل انکار زندگی ما انسان ها شده است و از زمان های

1. Power
2. Policy
3. Policy Making
4. Political Behavior
5. Slack & Parent
6. Morgan

سیاست‌های دولتی و سازمانی در ورزش

دولت‌ها به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در حوزه ورزش نیز به سیاست‌گذاری می‌پردازند. از نظر دولت‌ها، ورزش وسیله‌ای برای ترویج احساسات میهن‌پرستانه و توسعه اجتماعی-اقتصادی است و به همین دلیل می‌کوشند ورزش را بخشی از حوزه تحت سلطه خود قرار دهند و این کار را از طریق اعمال سیاست‌ها، قوانین، تخصیص بودجه و امکانات انجام می‌دهند (هوی و همکاران، ۲۰۰۶). مثلاً سیاست دولت در توسعه ورزش همگانی و قهرمانی یا ورزش زنان می‌تواند بر استراتژی‌ها و سیاست‌های سازمان‌های ورزشی اثر بگذارد (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۵).

امروزه، ورزش، دولت و سیاست به نحو پیچیده‌ای با هم مرتبط‌اند و می‌توان از ورزش به عنوان یک عامل مهم اجتماعی نام برد، نقش ورزش در علوم اجتماعی، سیاسی و روابط بین‌الملل، به گونه‌ای وسیع مورد توجه علمی قرار گرفته‌است (حشمت‌زاده و اکرمیان، ۲۰۱۵: ۲۷) و مدیران سازمان‌های ورزشی نیاز دارند از تاثیر سیاست‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی بر ورزش آگاهی داشته باشند. سیاست‌های عمومی بر ساختار و فرایندهای سازمانی و وظائف مدیران اثر می‌گذارد. از یک طرف، سازمان‌های ورزشی فقط سازمان‌های تجاری یا خدماتی محسوب نمی‌شوند، بلکه سازمان‌هایی اجتماعی و سیاسی نیز هستند. بنابراین نقش‌ها و مأموریت‌های سازمان و مدیران ورزش دیگر جنبه سنتی ندارد و مدیران باید دانش و مهارت‌های سیاسی خود را ارتقاء دهند تا بتوانند سیاست‌های دولت را به استراتژی‌های قابل دفاع و موجه تبدیل کنند و از طرف دیگر بتوانند بر سیاست‌های دولت ملی، محلی و نهادهای عمومی اثر گذارند.

همان‌طور که سیاست‌های عمومی حاصل شکل‌گیری ائتلاف‌ها، بده و بستان‌ها، فشارهای درونی و بیرونی و چانه‌زنی‌های نهادهای مختلف اجتماعی است، در سازمان‌ها نیز صاحبان قدرت فردی و سازمانی، گروه‌های ذینفع، نخبگان و افراد حرفه‌ای، پیشکسوتان، ورزشکاران بزرگ و غیره بر جریان سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های سازمان اثر می‌گذارند. به منظور درک، پیش‌بینی و مبارزه با پیامدهای منفی بالقوه برای افراد و

ورزش‌های بین‌المللی مورد استفاده قدرت‌های جهانی واقع می‌گردد (ملکووتیان، ۲۰۰۹: ۳۱۰). شاید کمتر موردی به میزان ارتباط بین سیاست و ورزش مورد بحث باشد. باوجود این، پژوهشگران داخلی کمتر به این موضوع پرداخته‌اند، در صورتی که بسیاری از پژوهشگران این دو را بسیار به هم نزدیک دانسته‌اند و به عبارت دیگر، ارتباط این دو مقوله‌ی اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند (حیدری، ۲۰۰۶: ۳). به طور کلی، شاید هیچ پدیده دیگری جز ورزش از نظر راهبرد تا این حد شبیه به سیاست نباشد. در این زمینه، به ویژه با دقت در وضعیت سیاست خارجی کشورها و ورزش، می‌توان به مشابهتی خیره‌کننده میان ورزش و سیاست رسید تا حدی که تصور می‌شود ورزش در بسیاری موارد، از نسخه‌های سیاسی تبعیت می‌کند (همان: ۵). تاکنون پژوهشگران مختلفی درباره اهمیت سیاسی و ایدئولوژیک ورزش نظر داده‌اند و مشکل است که کسی قادر باشد با یک صدا مستقیم بگوید که ورزش ربطی به سیاست ندارد (ملکووتیان، ۲۰۰۸: ۳۱۴).

توجه عمومی جهانی به اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی ملی و بین‌المللی از یک طرف و پخش گسترده اتفاقات ورزشی از طریق رسانه‌های جمعی از طرف دیگر، باعث شده‌است که سیاست و ورزش روز به روز به هم نزدیک‌تر شوند، به طوری که دوری عرصه ورزش از دنیای سیاست و جدایی آن از بازی‌های سیاسی، دیگر ساده به نظر نمی‌رسد. اکنون آشکارا شاهد تاثیر تنش‌ها و بحران‌های بین‌المللی بر ورزش هستیم و مشاهده می‌کنیم که عرصه ورزش به آرامی محلی برای رقابت‌ها و رویارویی‌های کشورهای افراد سیاسی شده‌است (جلالی‌فراهانی، ۲۰۱۴: ۷۷). به نقل از جلالی‌فراهانی (۲۰۱۴): سالارز (۲۰۰۸) بیان می‌کند «همکاری دو مقوله ورزش و سیاست، ورزش را به یک جایگاه ویژه‌ای مبدل کرده‌است که بعد از آن قهرمانان ورزشی دیگر فقط یک چهره ورزشی به حساب نیامده و معمولاً مورد استفاده سیاست‌مداران قرار می‌گیرند.

(ویگودا و کوهن^۵، ۲۰۰۲، میلر و همکاران^۶، ۲۰۰۹، ویگود و گادوت و همکاران^۷، ۲۰۰۳). بنابراین رفتار سیاسی، خارج از شرح شغل مشخص فرد است و تلاش برای استفاده از پایگاه‌های قدرت فرد را طلب می‌کند. این تعریف، رفتار سیاسی را به عنوان رفتاری غیرکارکردی در سازمان در نظر می‌گیرد (پون^۸، ۲۰۰۳: ۱۴۰). از لحاظ سیاسی، ورزش با قدرت بسیج‌کنندگی اجتماعی‌اش و با ظرفیت نمادی کردن تفاوت‌ها میان ملت‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است و بازتاب دهنده روابط اجتماعی جامعه می‌باشد. بازتاب خصلت فرهنگی اجتماعی ورزش را می‌توان در نمونه‌های ورزشی خاص و نمودهای آن در ارتباط با جامعه دانست. ورزش محبوب بهترین تصویر را از ساختارها و فرآیندهای جامعه در اختیار ما می‌گذارند (ویس، ۲۰۱۰: ۳۶).

ورزش در انتخابات هر کشوری می‌تواند نقش اساسی ایفا کند، در واقع هر چه قدر سرمایه اجتماعی کاندیداهای شرکت کننده در انتخابات بیشتر باشد در تعیین نتیجه نهایی رقابت بسیار موثرتر است و امکان دستیابی به مقام سیاسی را برای آنها بیشتر فراهم می‌کند (اشتریان و مهرورزیان، ۲۰۱۸: ۶۸). واضح است در دنیای پیشرفته کنونی ورزش برای پیشرفت و برگزاری رویدادهای بین‌المللی و موفقیت در آنها به شدت به قدرت و منبع آن یعنی سیاسیون نیازمند می‌باشند (بیلی^۹، ۲۰۱۰: ۸۳). به ویژه اکثر دولت‌ها از فوتبال و ورزش به عنوان یک وزنه سیاسی جهت پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند (ذاکریان و مفیدی‌احمدی، ۲۰۱۲: ۱۵۷).

در محیطی که رفتار سیاسی زیاد است احتمالاً استرس شغلی بیشتری وجود دارد، نگرش‌های کاری مثبت در آن پرورش نمی‌یابد و با جابجایی زیاد کارکنان مواجه خواهد شد (پون، ۲۰۰۳: ۱۴۲) اگرچه سنجش رفتار سیاسی دشوار است، اما اهمیت زیادی دارد، زیرا یک تهدید بالقوه برای کارایی و اثربخشی سازمانی محسوب می‌گردد (گباداموسی و چیناکا^{۱۰}، ۲۰۱۱، گوتسیس و کورتزی، ۲۰۱۱). حکومت‌ها و سیاسیون به علل گوناگون به

سازمان‌ها مطالعه عمیق‌تر سیاست‌های سازمانی مورد نیاز است (کاکمار و همکاران، ۱۹۹۹: ۳۸۵). سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی فراوان در ورزش نیز به نوعی تابع سیاست‌های عمومی دولت و سیاست‌گذاری هستند و باید از آن پیروی و تبدیل به سیاست‌های سازمانی و برنامه‌های استراتژیک نمایند.

هیج (۱۹۸۳) سیاست سازمانی را فعالیت‌های درون سازمانی می‌داند که برای کسب توسعه و استفاده از قدرت و سایر منابع برای دستیابی به نتایج مطلوب انجام می‌گیرد (ص: ۳۷۵). از طرف دیگر سازمان دارای واحدها و دواپری با منابع قدرت متفاوت است که تضاد منافع دارند به ویژه در مواردی که اختلاف نظر جدی وجود دارد. رایینز (۱۹۸۸) معتقد است که همه رفتارها در سازمان سیاسی‌اند اما درباره‌ی ماهیت و مرزهای آن شناخت کمی وجود دارد. مدیران نه می‌توانند و نه باید رفتارهای سیاسی را در سازمان از بین ببرند؛ چون برخی از این رفتارها کارکردی هستند و می‌توان از آن هدف‌ها برای نیل به اهداف سازمان بهره برد.

اسلک و پرت (۲۰۰۶) بیان کردند مدیران معمولاً تاکتیک‌های سیاسی بسیاری را در سازمان‌های ورزشی بکار می‌گیرند که به طور کلی چهار روش (تاکتیک) مهم سیاسی مورد استفاده در سازمان‌های ورزشی شامل ایجاد ائتلاف^۱، استفاده از متخصص‌های برون‌سازمانی^۲، ایجاد شبکه‌های ارتباطی (کاری و غیرکاری)^۳ و کنترل اطلاعات^۴ است (به نقل از رضانی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۵). آنها با بررسی دیدگاه‌های مدیران عالی، مدیران ستادی و سرپرستان نشان دادند که سیاست سازمانی می‌تواند هم برای اعضای سازمان و هم برای عملیات سازمان مضر یا مفید باشد.

رفتارهای سیاسی در ورزش

رفتار سیاسی، نفوذ ارادی و آگاهانه‌ای است که توسط افراد یا گروه‌ها به منظور افزایش و حفاظت از منافع خود (کوتاه مدت و بلندمدت) به هنگام وجود راه حل‌های متضاد صورت می‌گیرد

5. Vigoda & Cohen
6. Miler, Byrne, Rutherford & Hansen
7. Vigoda-Gadot, Vinarski-Peretz & Ben-Zion
8. Poon
9. Richard Bailey
10. Gbadamosi & Chinaka

1. Building Coalition
2. Using Outside Experts
3. Building a Network of Contacts
4. Controlling Information

سرگرمی تلقی گردیده است و در این دوره از زمان روز به روز پر اهمیت‌تر می‌شود (تیلور^۱، ۱۹۸۸: ۸۹).

ورزش و روابط سیاسی بین‌المللی

ورزش فقط مروج سلامت و آمادگی جسمانی است، بلکه موجب کسب افتخار برای افراد و کشور می‌شود، ورزش مروج برخی از ارزش‌ها و ایجاد کننده نوعی حس غرور و هویت، تعلق و وحدت اجتماعی است، ورزش وسیله‌ای برای افزایش حمایت از رهبران سیاسی و حکومت است، ورزش وسیله‌ای برای ایجاد حس پیشرفت و توسعه اقتصادی است همه این موارد نشان از تاثیر ورزش بر سیاست و قدرت دارد (گودرزی و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۴).

اثرات ورزش در سطوح منطقه‌ای و جهانی فراتر از پیامدهای ملی می‌رود و به ایجاد مشروعیت و ملت‌سازی، هویت و غرور ملی، همگرایی ملی و انسجام و غیره کمک می‌کند (فاضلی، ۲۰۱۲: ۱۵۵). اهمیت رقابت‌های ورزشی بین‌المللی نیز سبب شده است از ظرفیت‌های سیاسی این نوع رویداد استفاده کنند. تاریخ استفاده سیاسی از ورزش به پیش از وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم و اواخر قرن نوزدهم می‌رسد. سیاست‌مداران شوروی از ورزش به عنوان ابزاری برای گسترش ایدئولوژی سوسیالیست استفاده می‌کردند (اصغری، ۲۰۱۵: ۳۳).

ورزش به ویژه در کشورهای جهان سوم همواره جاذبه خاصی برای سیاست‌مداران داشته است؛ به طوری که آنها همواره به دنبال کسب مسئولیت‌های مدیریتی ورزش در کنار مسئولیت‌های سیاسی خود بوده‌اند. مهم‌ترین جاذبه ورزش برای سیاست‌مداران، شهرت و شناخته شدن در میان مردم و به خصوص قشر جوان و بهره‌برداری سیاسی از این شهرت بوده است (قاسمی و کشکر، ۲۰۱۲: ۱۲۸). از نقاط مثبت حضور ورزش در سیاست، دیپلماسی ورزشی است استفاده از ورزش به عنوان سلاح سیاسی، سازوکار دیپلماتیک، سلاح اجتماعی از عوامل منفی و استفاده از ورزش به عنوان ابزار سیاسی، به عنوان ابزار دیپلماتیک و به عنوان اجتماعی از علل مثبت استفاده از ورزش در عرصه سیاست نیز قابل اهمیت است (گودرزی و همکاران، ۲۰۱۲: ۹۷)، کشاورز و همکاران (۲۰۱۸) نیز

محیط ورزش قدم نهاده‌اند که معدودی از آنها، فقط به ارزش‌های ورزشی ربط دارند و به طور سنتی از ورزش به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف‌های غیرورزشی، همچون سوسیالیسم، تندرستی، ایجاد اشتغال، احیای مناطق کم‌تر توسعه یافته و اعتبار بین‌المللی بهره می‌جویند (حیدری، ۲۰۰۶: ۷). شواهد و نمونه‌های بسیار بسیار فراوانی در بازی‌های المپیک باستان و جدید (گودرزی و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۳). بازی‌های جهانی، انتخابات فدراسیون‌های ملی و جهانی، مدیریت باشگاه‌ها و تیم‌های ورزشی وجود دارد که نشان می‌دهد سازمان‌های ورزشی نه فقط از سیاست‌های عمومی دولت و حاکمیت تاثیر می‌پذیرند، بلکه از اعمال نفوذ صاحبان قدرت و رفتارهای سیاسی در امان نیستند. البته این تعامل و ارتباط، پیامدهای منفی و مثبتی برای سازمان‌های ورزشی داشته است. هرچند تلاش بسیار زیادی انجام می‌گیرد تا ورزش از اثرات منفی این تعاملات در امان باشد. با وجود این، روابط قدرت و سیاست به طور طبیعی بر سازمان‌های ورزشی حاکم است و مدیران باید بتوانند مسئولانه و به طور مثبت از آن برای اهداف سازمان‌های ورزشی استفاده کنند.

به علت اهمیت رویدادهای ورزشی بین‌المللی موجب شده است که حاکمان سیاسی با نگاهی دیگر به ورزش‌های پرطرفدار بنگرند و دنبال نهایت استفاده از امکانات این بازی‌ها باشند. تا کمی قبل‌تر، اغلب کشورها از نقشی که ورزش می‌تواند در سیاست خارجی ایفا کند آگاهی نداشتند. می‌دانیم که موفقیت تیم‌های ملی ورزشی در مسابقات بین‌المللی بازخورد سیاسی دارند و به این علت است که اصطلاح «سیاسی کردن ورزش» بوجود آمده است. در واقع رابطه مستقیم و آمیزش موفقیت‌های ورزشی با حس وطن‌پرستی و به اهتزاز در آمدن پرچم به همراه وجهه مثبت ملی و بین‌المللی در موفق شدن یک ورزشکار باعث شد که بین سیاست و ورزش رابطه نزدیکی بوجود آید (عزیزآبادی، ۲۰۱۹: ۳). در دوران پس از جنگ سرد حکومت‌ها نیز نشانه‌های واضح از دخالت دولت در ورزش مشاهده می‌شود. در این زمان، ورزش در کشورهای قدرتمند به عنوان وسیله‌ای در جهت کنترل حکومت‌های دیگر و مردم‌شان از طریق تشویق و شکل دادن به طرح‌های خاص ایدئولوژیک، مورد استفاده قرار می‌گرفت. از این بابت، ورزش به عنوان موضوعی اجتماعی، فراتر از تفریح و

موضوعات و محورهای تخصصی مدیریت ورزشی که یکی از آنها سیاست و ورزش می باشد بهتر و دقیق تر می تواند روندها و شکاف پژوهشی احتمالی را آشکار سازد. علاوه براین، گرایش به پژوهش های عمیق تر و کاربردی تر را افزایش خواهد داد البته، رشته مدیریت ورزشی در بین کشورهای مختلف سابقه طولانی دارد؛ اما سابقه این رشته در ایران به بیش از چند دهه نمی رسد. به همین دلیل، توجه به محتوای مقالات چاپ شده از سوی نشریات علمی می تواند به پر بارتر شدن این رشته کمک کند (عسگری و همکاران، ۲۰۱۵).

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و کیفی می باشد. تحلیل محتوا برای کمی کردن و سنجش پذیری از طریق نمادهای که مشخص است و از این روش غالباً در تحلیل متون و منابع چاپی و غیرچاپی استفاده می شود، با این روش می توان مقالات و یا متون را تحلیل و طبقه بندی کرد (طهماسیان، ۲۰۰۷: ۵۵)، جامعه پژوهش این مطالعه، مقاله های دیتابیس های فارسی در سال های (۱۳۸۸-۱۳۹۸) با موضوع ارتباط ورزش و سیاست بود. به این منظور پژوهشگران با جستجو در پایگاه های ایران داک، سیویلیکا، مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری، زندی، مگ ایران، مجلات نور، پورتال جامع علوم انسانی، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام و با جستجوی کلمات کلیدی سیاست و ورزش، دیپلماسی ورزشی، ورزش سیاسی، سیاسیون در ورزش و سیاستمداران ورزشی در پایگاه های نامبرده به تعداد ۲۸ مقاله دسترسی پیدا کردند که از طریق تحلیل محتوا آنها را مورد بررسی و تحلیل قرار دادند.

یافته های پژوهش

یافته های پژوهش در جدول های مختلف خلاصه و تحلیل شده است و همان طور که مشاهده می شود در سال ۱۳۹۶ تعداد جهش قابل توجهی در پژوهش های سیاست و ورزش وجود دارد که به نظر می رسد می تواند به علت وجود انتخاب ریاست جمهوری در آن سال باشد همان طور که مشاهده می شود در سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۸ (تا زمان نگارش این پژوهش) در پایگاه های مذکور هیچ مقاله ای در حوزه سیاست و ورزش نمایه نشده است که به گمان

نشان دادند که عامل سیاسی نیز در کسب کرسی های بین المللی ورزش اثرگذار است.

با وجود اهمیت سیاسی عرصه های مختلف ورزش در جامعه به نظر می رسد که بازمینی مطالعات مرتبط با این حوزه برای جهت گیری های آتی بسیار ضروری می باشد. پژوهش حاضر در پی آن است که با تحلیل محتوای مقالات منتشر شده در نشریات تخصصی کشور در سال های بین ۱۳۸۸-۱۳۹۸ وضعیت پژوهش های مرتبط با سیاست و ورزش را از منظر موضوعات کلیدی، روش پژوهش و استناددهی مورد بررسی قرار دهد که از چه روش پژوهشی استفاده شده و در مقالات سیاست و ورزش مشارکت پژوهشی برحسب تعداد نویسندگان و جنسیت و روند چاپ مقالات بر اساس دوره های زمانی مختلف چگونه بوده است؟ تا با نشان دادن اهمیت، سمت و سوی پژوهش ها، محققان آتی را ترغیب و تشویق به انجام پژوهش در این زمینه نموده تحلیل های زیر را انجام دهند.

روش شناسی پژوهش

یکی از روش های پر کاربرد تحقیق، تحلیل محتوا می باشد. این روش به این علت به دیگر روش ها برتری دارد که در آن نیاز به تحقیق و جمع آوری اطلاعات نیست، بلکه اطلاعات وجود دارد و باید تحلیل و نتیجه گیری شود (ساروخانی، ۲۰۱۴: ۲۷۹). در تحقیق حاضر نیز از همین روش استفاده شده است. البته استفاده از این روش در مدیریت ورزشی سابقه طولانی ندارد که ابتدا با تحلیل محتوای روزنامه های ورزشی (بارفروش، ۲۰۰۷) و محتوای برنامه تلویزیونی ورزشی نود (صدیقی، ۲۰۰۹) شروع شد. سپس علی زاده (۲۰۱۰) به تحلیل محتوای پژوهش های سازمان تربیت بدنی سابق پرداخت (تپه رشی و همکاران، ۲۰۱۲) و این روند با تحلیل روش شناسی پایان نامه ها و رساله های رشته تربیت بدنی دانشگاه پیام نور بر اساس روش شناسی ادامه یافت (قاسمی، ۲۰۱۴). بررسی این تحقیقات نشان می دهد که تحلیل محتوای مقالات در زمینه های تخصصی یا در یک موضوع مشخص مانند تحقیقات مربوط با سیاست و ورزش کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، به نظر رسید که با تحلیل محتوای

به نظر می‌رسد محققان حوزه سیاست و ورزش بیشتر به روش‌های کیفی علاقه داشته باشند که البته با توجه به خاص بودن موضوع تحقیق و نیاز این‌گونه پژوهش‌ها به توصیف دقیق و بررسی عمیق‌تر برای بدست آوردن اطلاعات می‌باشد.

در مورد فراوانی محققان از نظر جنسیت نیز اطلاعات جدول شماره سه نشان داد که تعداد ۵۰ نفر مرد در مقابل سیزده زن در نگارش مقالات همکاری داشته‌اند.

جدول ۳. فراوانی مقالات از نظر جنسیت نویسندگان

Table 3. Frequency of Articles in Terms of Authors' Gender

سال	روش کمی		روش کیفی		جمع (%)
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۸۸	۰	۰	۱	۲	۱/۵۹
۸۹	۰	۰	۳	۶	۴/۷۶
۹۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹۱	۰	۰	۱	۲	۱/۵۹
۹۲	۰	۰	۶	۱۲	۹/۵۲
۹۳	۲	۱۵/۳۸	۵	۱۰	۱۱/۱۱
۹۴	۱	۷/۶۹	۷	۱۴	۱۲/۷۰
۹۵	۱	۷/۶۹	۵	۱۰	۹/۵۲
۹۶	۵	۳۸/۴۶	۹	۱۸	۲۲/۲۲
۹۷	۴	۳۰/۷۷	۱۳	۲۶	۲۶/۹۸
۹۸	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۳	۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۶۳

پژوهشگران نبودن کنش‌های انتخاباتی و سیاسی و البته وجود ثبات مدیریتی در ورزش در سال‌های ذکر شده از دغدغه پژوهشگران در حوزه سیاست و ورزش کاسته است.

جدول ۱. فراوانی انتشار مقالات در سال‌های مختلف

Table 1. Frequency of Publishing Articles in Different Years

سال	تعداد مقالات	درصد
۸۸	۱	۳/۶
۸۹	۱	۳/۶
۹۰	۰	۰
۹۱	۱	۳/۶
۹۲	۲	۷/۲
۹۳	۳	۱۰/۷
۹۴	۳	۱۰/۷
۹۵	۳	۱۰/۷
۹۶	۸	۲۸/۵
۹۷	۶	۲۱/۴
۹۸	۰	۰
جمع	۲۸	۱۰۰

در مورد فراوانی روش تحقیق مقالات از نظر کمی یا کیفی و همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود که در بیشتر مقالات از روش تحقیق کیفی استفاده شده است که با توجه به ماهیت موضوع طبیعی به نظر می‌رسد.

جدول ۲. فراوانی روش‌های تحقیق

Table 2. Frequency of Research Methods

سال	روش کمی		روش کیفی		جمع (%)
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۸۸	۰	۰	۱	۵/۲۶	۳/۵۷
۸۹	۰	۰	۱	۵/۲۶	۳/۵۷
۹۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹۱	۰	۰	۱	۵/۲۶	۳/۵۷
۹۲	۰	۰	۲	۱۰/۵۳	۷/۱۴
۹۳	۲	۲۲/۲۲	۱	۵/۲۶	۱۰/۷۱
۹۴	۱	۱۱/۱۱	۲	۱۰/۵۳	۱۰/۷۱
۹۵	۱	۱۱/۱۱	۲	۱۰/۵۳	۱۰/۷۱
۹۶	۴	۴۴/۴۴	۴	۲۱/۰۵	۲۸/۵۷
۹۷	۱	۱۱/۱۱	۵	۲۶/۳۲	۲۱/۴۳
۹۸	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۹	۱۰۰	۱۹	۱۰۰	۱۰۰

نتایج نشان داد که محققان خانم کمتری به حوزه سیاست و ورزش علاقه نشان می‌دهند. البته دلیل دیگر آن می‌تواند نسبت کمتر حضور بانوان در هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها نیز باشد.

بررسی سطوح علمی پژوهشگران نتایج تحقیق نشان داد که رتبه اول تولیدکنندگان مقالات با ۶۶/۱۵ درصد دارای مدرک دکتری بودند و کم‌ترین مقدار پژوهش توسط دانشجویان دکتری و به مقدار ۱۳/۸۵ درصد انجام گرفته است (جدول ۴).

جدول ۶. تعداد همکاران نویسنده مقالات

Table 6. Number of Co-Authors of Articles

سال	تک نویسنده	دو نویسنده	سه نویسنده	چهار نویسنده	جمع
۸۸	۱	۰	۰	۰	۱
۸۹	۰	۰	۱	۰	۱
۹۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹۱	۱	۰	۰	۰	۱
۹۲	۰	۱	۰	۱	۲
۹۳	۱	۰	۲	۰	۳
۹۴	۰	۲	۰	۱	۳
۹۵	۰	۳	۰	۰	۳
۹۶	۳	۳	۱	۱	۸
۹۷	۱	۲	۰	۳	۶
۹۸	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۷	۱۱	۴	۶	۲۸

در مورد موضوعات مورد تحقیق در زمینه سیاست و ورزش، نتایج به دست آمده نشان داد که محققان بیشتر به مسئله ورود سیاسیون به ورزش و مدیران سیاسی در ورزش توجه نشان داده‌اند و مسئله اقتصاد و سیاست در ورزش کمترین توجه را به خود جلب کرده است.

جدول ۷. دسته‌بندی مقالات سیاست و ورزش

Table 7. Category of Politics and Sports Articles

درصد	فراوانی	موضوع پژوهش‌ها
۱۷/۸۶	۵	سیاست و اقتصاد در ورزش
۲۱/۴۳	۶	دیپلماسی و سیاست بین‌الملل در ورزش
۳۵/۷۱	۱۰	ورود سیاسیون و مدیران سیاسی در ورزش
۲۵	۷	سیاست‌گذاری در ورزش
۱۰۰	۲۸	جمع

در مورد استناددهی مقالات یافته‌های پژوهش نشان داد که منابع فارسی با تعداد مجموع ۵۴۵ بار استناد بیشتر از منابع لاتین با تعداد ۴۳۶ بار استناد مورد استفاده محققین قرار گرفته است. همچنین محققین بیشتر از مقالات علمی در استناددهی استفاده نموده‌اند که به نظر می‌رسد به دلیل بیشتر در دسترس بودن این مقالات از طریق وجود تعداد زیاد مجلات علمی می‌باشد.

جدول ۴. فراوانی سطح علمی پژوهشگران

Table 4. Frequency of Researchers' Scientific Level

جنسیت	مقطع	زنان	مردان	جمع
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
کارشناس	۴	۲۸/۶	۹	۱۷/۶۵
ارشد	۴	۲۸/۶	۹	۱۷/۶۵
دانشجوی	۳	۲۱/۴	۶	۱۱/۷۵
دکتری	۷	۵۰	۳۶	۷۰/۶
دکتری	۷	۵۰	۳۶	۷۰/۶
جمع	۱۴	۱۰۰	۵۱	۱۰۰

در مورد وابستگی سازمانی پژوهشگران نتایج تحقیقات نشان داد که دانشگاه تهران با داشتن تعداد ۱۹ مقاله در رتبه اول قرار گرفته که با توجه به این که دانشگاه تهران از دیرباز تا کنون دارای رشته علوم سیاسی و اجتماعی و دیگر رشته‌های مرتبط بوده است. همچنین در مطالعات کیفی استفاده محققان از منابع مختلف در این شهر بسیار بالاست.

جدول ۵. فراوانی وابستگی سازمانی پژوهشگران

Table 5. Frequency of Organizational Dependence of Researchers

موسسه	فراوانی	درصد
دانشگاه شهید بهشتی	۲	۳/۱۳
دانشگاه تهران	۱۹	۲۹/۶۹
دانشگاه الزهرا	۴	۶/۲۵
دانشگاه پیام نور	۱	۱/۵۶
دانشگاه علامه طباطبایی	۵	۷/۸۱
دانشگاه گیلان	۲	۳/۱۳
دانشگاه فرهنگیان	۲	۳/۱۳
دانشگاه آزاد	۱۶	۲۵
دانشگاه یاسوج	۲	۳/۱۳
دانشگاه ارومیه	۱	۱/۵۶
دانشگاه زاهدان	۳	۴/۶۹
دانشگاه رازی کرمانشاه	۴	۶/۲۵
دانشگاه تبریز	۲	۳/۱۳
موسسه غیر انتفاعی	۱	۱/۵۶
شفق تنکابن	۱	۱/۵۶
جمع	۶۴	۱۰۰

در مورد تعدد پژوهشگران در تولید مقالات مورد بررسی بیشترین تعداد مقالات در حوزه سیاست و ورزش حاصل همکاری دو نویسنده می‌باشد که در جدول شماره شش قابل مشاهده است.

جدول ۸. استناددهی مقالات مرتبط با ورزش و سیاست

Table 8. Citation of Articles Related to Sports and Politics

ردیف	مقالات	درصد	کتاب	درصد	پایان نامه و رساله	درصد	سایر	درصد	مجموع	درصد
فارسی	۲۵۶	۵۳/۴۴	۱۳۸	۵۸/۴۷	۸۰	۶۶/۱۲	۷۱	۴۸/۹۷	۵۴۵	۵۵/۵۶
لاتین	۲۲۳	۴۶/۵۶	۹۸	۴۱/۵۳	۴۱	۳۳/۸۸	۷۴	۵۱/۰۳	۴۳۶	۴۴/۴۴
جمع	۴۷۹	۱۰۰	۳۳۶	۱۰۰	۱۲۱	۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۹۸۱	۱۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

توصیف نتایج پژوهش نشان داد در زمان ثبات مدیریت ورزش مانند سال ۲۰۰۹ و سال ۲۰۱۹ پژوهشگران کمتر به مسئله سیاست و ورزش علاقه نشان داده‌اند یا احتمالاً در سال ۲۰۱۷ وجود انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند علت زیاد شدن تعداد مقالات در این حوزه باشد که خود بیانگر حساسیت پژوهشگران به موضوعات روز جامعه است. بنابراین، هرگاه تنش‌های سیاسی و عدم ثبات در مدیریت ورزش وجود داشت، دغدغه پژوهشگران حوزه ورزش، نسبت به سیاست و ورزش بیشتر شده‌است. روش تحقیق بیشتر پژوهش‌ها به شکل کیفی بود که به نظر می‌رسد در حال حاضر بیشتر محققان مدیریت ورزش برای توصیف دقیق و بررسی عمیق اطلاعات به این روش رو آورده‌اند. در پژوهش‌های این حوزه، محققان خانم کمتری حضور داشتند که نشان دهنده علاقه کمتر بانوان به حوزه سیاست می‌باشد و البته تعداد کمتر بانوان شاغل در هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها نیز می‌تواند مزیدی بر علت باشد. بیشترین پژوهش در زمینه سیاست و ورزش توسط پژوهشگران دانشگاه تهران انجام گرفته است که می‌توان به علت وجود رشته علوم سیاسی و رشته‌های مرتبط با آن در این دانشگاه باشد.

در این تحقیق، مقالات مرتبط با سیاست و ورزش در چهار گروه دسته‌بندی شدند. البته مصطفی ملکوتیان (۲۰۰۹)، ارتباط این دو حوزه را در نه گروه قرار داده است که در تمام این نه نقش اگر این ارتباط به درستی پیوند خورده باشد می‌تواند عاملی برای موفقیت دو طرف باشد. جلالی فراهانی (۲۰۱۴) نشان داد مدیران ورزشی همه کشورهای منتخب دارای سوابق سیاسی می‌باشند و این نشان‌دهنده ارتباط و تاثیرگذاری ورزش و سیاست بر همدیگر است، گرچه تاثیر سیاست بر ورزش بیشتر است و از این نظر نتایج حاصله از این پژوهش با پژوهش حاضر همسو می‌باشد. شاه‌رضایی و شیرزادی (۲۰۱۶)، با بررسی حوزه‌های مختلف ارتباط ورزش با

سیاست نشان دادند این دو مقوله باهم دارای ارتباط متقابل بوده و ورزش می‌توان باعث ارتقا و بهبود روابط بین‌المللی گردد و البته عکس این قضیه نیز می‌تواند صادق باشد.

گروه اول، مقالات در تحقیق مرتبط با ورود سیاسیون و مدیران سیاسی در ورزش می‌باشد که با تعداد ده مقاله، رتبه اول را داشت. از نظر موضوعی نیز بیشتر پژوهشگران به حضور یا ورود سیاسیون به ورزش پرداخته‌اند که به نظر می‌رسد محققان و متخصصان علوم ورزشی توجه و حساسیت خاصی نسبت این روند دارند. هر چند که مستندات اندکی از این نظر در سازمان‌های ورزشی وجود دارد یا سیاسیون و مدیران اندکی وجود دارند که بخواهند تجارب و اقدامات سیاسی- ورزشی را برای آیندگان بازگویی نمایند. به نظر می‌رسد تحقیقات آتی در این حوزه باید بیشتر مبتنی بر گزارش‌ها و مستندات سازمانی، تجارب مدیران سیاسی و ورزشی و غیره باشد. حشمت‌زاده و اکرمیان (۲۰۱۵)، به بررسی ارتباط بین سیاست و ورزش با استفاده از نظریه گرامشی پرداختند و نتایج نشان داد که این دو حوزه از دیرباز به هم مرتبط بوده و ورزش در هر حکومتی و در طی قرون مختلف مورد استفاده سیاسیون قرار گرفته‌است و این ارتباط در تمامی مواردی که پژوهشگران به آن پرداخته‌اند گاهی مثبت و گاهی منفی بوده‌است، و از این حیث با پژوهش حاضر همسو می‌باشد. رجب‌نژاد و جلالی (۲۰۱۵) به نقش سیاسیون در ورزش پرداختند و نشان دادند که ارتباط بین سیاست و ورزش اجتناب ناپذیر است که این نتایج با نتایج پژوهش حاضر نیز همسو می‌باشد.

گروه دوم، مقالات مرتبط با سیاست‌گذاری و در ورزش می‌باشد که جایگاه دوم موضوعی مقالات مورد بررسی را دارا می‌باشد. البته به علت تفاوت در هدف پژوهش نمی‌توان همسویی یا عدم همسویی این مقالات را با مقاله حاضر مورد بررسی قرار داد. مثلاً رضایی‌نژاد و هژبری (۲۰۱۷) به این نتیجه رسیدند که برای

مقالات مرتبط با این حوزه زردشتیان و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی اقدامات و تجارب دیپلماسی ورزشی کشور پرداخته و به این نتیجه رسیدند که در کشورهای پیشرو در حوزه دیپلماسی ورزشی، در سطح کلان فعالیت‌های بسیاری انجام گرفته است که این فعالیت‌ها در سه دسته نهادهای فعال دیپلماسی ورزشی، اولویت‌های دیپلماسی ورزشی و اقدامات انجام شده برای تقویت این دیپلماسی طبقه‌بندی شدند. لذا می‌توان گفت از آنجا که تعیین خط‌مشی سیاست خارجی هر کشور از متغیرهای متعددی تاثیر می‌پذیرد، جمهوری اسلامی می‌تواند با الگوبرداری از کشورهای موفق از دیپلماسی ورزشی به مانند ابزار تسهیل‌کننده‌ای برای اجرای سیاست خارجی استفاده کند. این مقاله نیز با توجه با نشان دادن ارتباط مثبت سیاست و ورزش با مقاله حاضر همسو می‌باشد.

در گروه چهارم یافته‌ها، مقالات مرتبط با سیاست و اقتصاد در ورزش طبقه‌بندی شد. علیدوست قهفرخی و همکاران (۲۰۱۰) و جلالی‌فراهانی و علیدوست قهفرخی (۲۰۱۳) در مطالعه‌هایی جداگانه موانع توسعه اقتصادی و تعاونی‌های ورزشی در ورزش حرفه‌ای کشور با تاکید بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را مورد تحقیق قرار و نشان دادند مهم‌ترین موانع شامل بی‌ثباتی در سیاست‌های پولی و مالی کشور، مشارکت نکردن سرمایه‌گذاران خارجی در بازارهای سرمایه داخل، مالکیت دولتی بسیاری از صنایع، کارخانجات، نهادها و سازمان‌های ورزشی و غیر ورزشی کم بودن سرانه درآمد ملی در کشور، نبود امنیت اقتصادی و خطر زیاد سرمایه‌گذاری در ورزش حرفه‌ای، عدم تخصیص حق پخش تلویزیونی مناسب به باشگاه‌ها، وجود رقابت ناعادلانه بین باشگاه‌های دولتی و خصوصی، ساختار بلیت‌فروشی متمرکز در سازمان لیگ حرفه‌ای، شفاف نبودن اطلاعات مالی اقتصادی باشگاه‌ها، سازمان لیگ و فدراسیون می‌باشند که هر کدام به تنهایی مورد بررسی دقیق قرار گیرند. در نهایت، زارعیان و همکاران (۲۰۱۸) به راهکارهای عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی در ورزش مدارس ایران پرداختند و نشان دادند سیاست‌گذاران حوزه ورزش با استفاده از مقوله‌های اصلاح الگوی مصرف، تدوین برنامه آموزشی مناسب، شیوه آموزشی طبقه‌بندی شده می‌تواند به عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی در ساعات ورزش مدارس کمک کنند.

توسعه ورزش کشور باید اتحاد استراتژیک نهاد ورزش با نهادهای بهداشت و سلامتی، اقتصاد، فرهنگ و تربیتی در سطح حاکمیت و سیاست‌گذاری برقرار شود. همچنین جوادی‌پور و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که مولفه‌های سازمانی، باورها و فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی، تحلیل، تفسیر، تدوین علمی و مطالعات و پژوهش از عوامل موثر در سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور می‌باشد و از جمله آسیب‌های موجود در این حوزه ضعف در نظارت و کنترل، ساختار ضعیف و ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا می‌باشند.

مقالات مرتبط با دیپلماسی و سیاست بین‌الملل در ورزش در گروه سوم قرار داشتند. اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح انتخاب شوند و این منابع متناسب با استراتژی‌های سیاسی هر کشور باشد، خروجی‌های آن می‌تواند هم‌راستای خروجی‌های دیپلماتیک مدنظر هر کشور باشد (بخشی‌چناری و همکاران، ۲۰۱۹). در همین رابطه، احمدی‌پور و همکاران (۲۰۱۲) بیان کردند میدان رقابت‌های ورزشی بین‌المللی به لحاظ همپوشانی در مفاهیم قدرت، رقابت و ارزش‌های ملی با حوزه رقابت‌های ژئوپلیتیکی، عرصه جنگ نمادین این کشورها و ملت‌هاست، و از این طریق می‌توان این دو حوزه را به میزان زیادی مرتبط به هم دانست. این تحقیق نشان می‌دهد حوزه سیاست با حوزه ورزش بسیار نزدیک است. شریعتی و گودرزی (۲۰۱۷)، با بررسی مولفه‌های دیپلماسی ورزش را در توسعه روابط بین‌المللی نشان دادند ورزش می‌تواند با استفاده از مولفه‌های فرهنگی نه تنها حوزه سیاست را به حوزه ورزش نزدیک کرده است، بلکه می‌تواند پیوندهای گسترده‌تری را میان ملت‌ها ایجاد کند. البته، عزیزآبادی (۲۰۱۷) جایگاه ورزش را در سیاست داخلی و بین‌المللی برای ایجاد صلح و دوستی بررسی کرد و نشان داد ورزش می‌تواند نقش‌های مهم و راهبردی زیر را در روابط ملت‌ها و دولت‌ها در سطوح مختلف داشته باشد. بهبود و تصحیح تصویر یک ملت، تقویت دوستی، افزایش صلح و توسعه رفاقت بین ملت‌ها پیشبرد تجارت و گردشگری تشویق توسعه بین‌المللی، وحدت بخشیدن به اقلیت‌ها و مهم‌تر از همه بهبود روابط بین‌الملل برای دوستی بین ملت‌ها از جمله این نقش‌های راهبردی است که نشان دهنده تاثیر مثبت سیاست و ورزش بر یکدیگر می‌باشد و از این‌رو با پژوهش حاضر همسو می‌باشد، در یکی از جدیدترین (در زمان نگارش مقاله حاضر)

در انتها باید اذعان کرد با توجه به رابطه متقابل ورزش و سیاست نه فقط به درک متقابل دست‌اندرکاران این دو حوزه نیاز هست؛ بلکه به حضور سیاست در کنار ورزش در رویدادهای بین‌المللی و همین‌طور نیاز سیاسیون به ورزش برای ایجاد مقبولیت بیشتر اجتماعی احساس می‌شود. البته توجه به این نکته که با قرار گرفتن درست سیاسیون در کنار مدیران ورزشی می‌توان به موفقیت‌های بزرگ ورزشی دست یافت.

ارائه راهکارهای اجرایی

- ۱- با توجه به نیاز پژوهشی در زمینه ارتباط سیاست و ورزش پیشنهاد می‌شود با انجام پژوهش‌های تخصصی و کاربردی، زمینه موفقیت روزافزون ورزش کشور فراهم شود.
- ۲- سازمان‌ها و فدراسیون‌های ورزشی با بررسی گزارشات تاریخی و تحلیلی و به ویژه تجارب مدیریتی و سیاسی، با استفاده از پژوهشگران بتوانند این تجارب به یک سری اعمال پیوسته استراتژیک پیوند زنند.

به‌طور کلی اهمیت تحلیل محتوای مقالات مربوط به سیاست و ورزش می‌تواند برای تصمیم‌گیری‌های پژوهشی آینده و نیاز سازمان‌های ورزشی از نظر آموزشی و کاربردی مورد توجه قرار گیرد؛ موضوعی که اخیراً با فراخوان پژوهشی حوزه روابط بین‌الملل وزارت ورزش و جوانان اهمیت بالای خود را نشان داده است. بنابراین لازم است پدیده‌ای با این وسعت و این فراوانی مخاطب از جنبه‌های مختلفی نظیر صنعت ورزش، حوزه‌های مدیریت و جامعه‌شناسی ورزش و بسیاری از جنبه‌های دیگر مورد بررسی و تحلیل محتوایی قرار گیرند تا بدین‌وسیله بتوان محققان و برنامه‌ریزان این حوزه را برای تصمیم‌گیری‌های آینده یاری رساند. با بررسی تحقیقات گذشته و درک بهتر نیازهای تحقیقی در این حوزه، می‌توان از یک نقشه تحقیقی برای ادامه تحقیقات کیفی مشترک با اندیش‌مندان علوم سیاسی و ورزشی سود جست. از طرف دیگر، برای کاربردی ساختن هر نوع تحقیقی باید از نظرها و گزارش‌های مدیران اجرایی، تحقیقات توصیفی و پیمایشی، استدلال استقرایی و یافته‌های سایر رشته‌های علمی و حرفه‌ای وابسته استفاده کرد (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۱۲).

References

1. Ashtrian, K . Mehrvarziyan, T. (2019). The Impact of Social Network Capital on Achieving Political Position. Research Journal of Theoretical Policy Research, No. 23, Fall and Winter 2019. Pages 65-92. (in Persian).
2. Asghari, F . Razaghi, M E . Dusti, M . Mehrabi, G. (2015). Investigating the Positive and Negative Reasons for Athletes to Enter Politics. Journal of Organizational Behavior Management in Sport Volume 2, Number 6, Summer, pp: 31-39. (in Persian).
3. Azizabadi, M M . (2019). The Political Sociology of Sport: The Impact of Sport and Professional Athletes on Political Life, placeless. (in Persian).
4. Bailey, R. Collins, D. Ford, P. MacNamara, A. Toms, M. Pearce, G. (2010). Participant Development in Sport: An Academic Review, Sport Northern Ireland.
5. Bakhshi Chenari, A R , Goodarzi, M , Sajjadi, Seyed N , Jalali Farahani, M. (2019). Providing solutions for empowerment and promotion of sports diplomacy in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Journal of Communication Management in Sports Media (in Persian).
6. Fazeli, H .(2012). Sport and Identity Politics, Journal of Political Science, Q 7, no 2, pp. 174-151. (in Persian).
7. Ghasemi, h. (2014). Content Analysis of Physical Education Dissertations and Theses in Payam Noor University Based on Research Methodology. New Trends in Sport Management, 1(3), 65-74, (in Persian).
8. Ghasemi, H ; Kashker, S . (2012). Socio-cultural foundations of sports. Tehran: Sports Publishing.
9. Goodarzi, M . Asadi, H . Khabiri, M . Doosti, Morteza. (2012). Politics and Sports, First Edition, Sari: Moj Ghalam. (in Persian).
10. Hatch Mary. J. (2014). Theory of Modern, Symbolic-Interpretive and Postmodern Organization. Translator. Hassan Danaifard.

- Fifth Edition. Tehran: Mehraban Publishing Institute. (in Persian).
11. Harold, J, Laski. (No Date). Introduction to Politics, translation by Manouchehr Safa, Tehran: Pocket Books Corporation (Hand Book), Pages: 262 .
 12. Heshmatzadeh, M B . A , M H . (2015). The Relationship between Sport and Politics Using Anthony Gramsci's Theory. Quarterly Journal of International and Political Approaches Autumn, 7, (43) (in Persian).
 13. Heydari, D . (2006), Politics Involvement in Physical Education and Recreation Sport, Social Science Education Journal. Volume 10, Number 2, Winter. (in Persian).
 14. Jalali Farahani, M, (2014). Review of political and sporting records of Iran's top sport executives and selected countries. Strategic Management Studies and Organizational Behavior in Sport. First Year, No. 4 Winter 2014:pp. 89-76 (in Persian).
 15. Kacmar K.M, Bozeman D.P, Carlson D.S, Anthony W.P.(1999). An examination of the perceptions of organizational politics model: Replication and extension. Human relations. ;52(3):383-416
 16. Mallakutian, M . (2009). Sport and Politics, Journal of Politics, Journal of Faculty of Law and Political Science, 39(2) (in Persian).
 17. Moein, M , (2003). Persian Culture, First Edition, Tehran: Behzad Publications. (in Persian).
 18. Mohammadi Azizabadi, M. (2017). The place of sport in domestic and international politics for peace and friendship. Quarterly Journal of Politics, No. 14, Summer. (in Persian).
 19. Morgan G .(2008). Organizational landscape. Translated by: Asghar Moshabaki. First Edition. Tehran: Faculty of Management, University of Tehran.
 20. Parsamehr; M.(2009). Sociology of Sport (first ed): University of Yazd(in Persian).
 21. Poon, J. (2003). Situational antecedents and outcomes of organizational politics perceptions, Journal of Managerial Psychology, 18 (2), pp. 138-155.
 22. Ramzani Nejjhad, R . Andam, R . Benar, N . Mirkazemi, S O. (2019). Advanced Management in Sport, University of Guilan, Second Edition. (in Persian).
 23. Ramzani Nejjhad, R . Hojabri, K . Eydi, H . Reyhani, M . Asgari, F. (2015). Elite Sports Management: Experiences of Successful Countries. Amol, North Stable Publishing, First Edition. (in Persian).
 24. Ramzani Nejjhad, R . Mallaei, M , & Miryosefi, S J . (2017). Application of Organization Theory in Sport, Hatmi Publications. fourth edition. (in Persian).
 25. Rezvani, R .(2010). content analysis. Research Quarterly Bulletin, Second Year, Issue 1, pp. 137-156. (in Persian).
 26. Robbins, S . P.(1988). Organization Theory: Organizational Structure and Design, translated by Seyyed Mehdi Alvani and Hassan Danaeifard (2004). Safar Publications, Seventh Edition (in Persian).
 27. Slak, T ; & Parent, M . M. (2006). Understanding Sport Organizations: The Application of Organization Theory. Human Kinetics. 2nd Edition.
 28. Sarokhani, B . (2014). Research Methods in Social Sciences, Volume One, Tehran: Humanities Research Institute (in Persian).
 29. Tabrizi, M .(2014). Qualitative content analysis from the perspective of deductive and deductive approaches, Allameh Tabataba'i Social Science Quarterly, No. 64, : 105-138. (in Persian).
 30. Tahmasian, N . (2007). Content Analysis of Tales and Stories of Children of B and C Age Groups of 2001-2005 in terms of Their Impact on the Treatment of Childhood Anxiety and Depression, BSc Master of Science in Library and Information Science, Islamic Azad University Research Sciences Branch. (in Persian).
 31. Taylor, T. (1988). Sport and World Politics, Functionalism and. the State System, International Journal, Vol. 43:4.
 32. Weiss, O .(2010). Foundations of the Sociology of Sport, Translated by Karamatollah Rasekh, Tehran: Ney Publishing. (in Persian).

33. Zakeriyan, M .Mofidi A, H.(2012). Adherence to the rules of the international system from the standpoint of normative theories of international relations. International and Political Research, Fall, 4 (12):153-184. (in Persian).
34. Zardtoshtian, S , Bakhshi Chenari, A R , Mohammadi J , H . (2020). A Comparative Study of Sports Diplomacy Actions and Experiences in the Islamic Republic of Iran and Selected Countries. Journal of Communication Management in Sports Media.



COPYRIGHTS

© 2021 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms & conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)

